



فردوسی

مخبرنامه

نور

شماره ۹



بیانیه حضرت آقای مجذوب علیشاه
«اهمیت پیشگیری - انعکاس مصلحت فردی در جامعه»
پنج اسفند ماه ۱۳۹۰



۱۸+

روز حبس

+ فرشید یداللهی
+ حمید مرادی



+ افشین کرمپور
+ امیر اسلامی



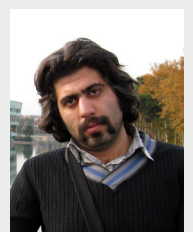
+ رضا انتصاری
+ امید بهروزی



+ صالح مرادی
+ مصطفی دانشجو



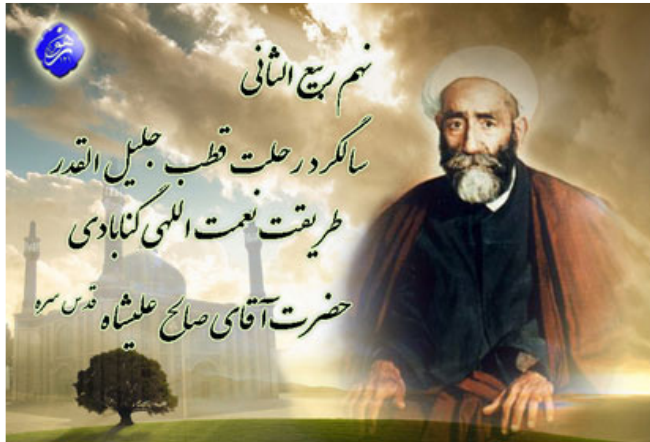
چهل متهم از قانون امتیازی برای بازجو
گفتگو با کسری نوری از درویش گنابادی



مصاحبه با علی مرتضایی
درویش آزاد شده از بند ۳۵۰

بلاغ

سالگرد رحلت ملجاء الامجاد و ملاذ الاوتاد العالم الصمدانی و العارف السبحانی المؤید بالتأییدات الربانیة و مبین الاسرار الالهیة قطب العارفین و صالح المؤمنین اية الله العظمی فی الارضین المولی المؤمن مولانا الحاج شیخ محمد حسن صالحعلیشاه را به تمامی اخوان تسلیت عرض نمی نموده و به همین بهانه گوشه ای از زندگانی مبارکشان را مرور می کنیم.



ایشان در روز چهارشنبه ۸ ذیحجه سال ۱۳۰۸ قمری مطابق با ۲۴ تیر ۱۲۷۰ شمسی در بیدخت گناباد متولد شدند. ایشان فرزند ارشد و جانشین منصوص حضرت نورعلیشاه ثانی هستند. پس از ایام کودکی، علوم مختلف دینی اعم از نقلی و عقلی را نزد جد بزرگوار خود حضرت سلطانعلیشاه و پدر عالی مقدار و اساتید محلی در بیدخت گناباد فرا گرفتند. در سال ۱۳۲۷ قمری پس از شهادت حضرت سلطانعلیشاه به دست مبارک پدر بزرگوار وارد سلوک الی الله گردیدند. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان عزیمت و نزد اساتید مشهور آن زمان مانند آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان قشقائی کسب علم کردند، و در ضمن اشتغال به تحصیل از تزکیه نفس و تجلیه قلب و تخلق به اخلاق حسنه فروگذاری نمی کردند، به نحوی که نزد همه مدرّسین و طلاب به حسن سیرت مشهور گردیدند. پس از بازگشت به گناباد در ۲۰ شعبان ۱۳۲۸ از طرف پدر بزرگوار مجاز به اقامه نماز جماعت فقرا

و در ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ مجاز در دستگیری و ارشاد طالبان راه با لقب صالحعلیشاه گردیدند و پس از رحلت حضرت نورعلیشاه به جانشینی ایشان رسیدند و به هدایت طالبان و رسیدگی به احوال مردم و فقرا مشغول شدند. با این همه از انجام امور خیریه از قبیل تعمیر مساجد و احداث قنوات و تکمیل مزار سلطانی بیدخت و ساختمانهای عام المنفعه مانند بیمارستان و مدرسه و مسجد فروگذاری نکرده و در عین حال از طریق کشاورزی امرار معاش می نمودند آثار خیریه ایشان در گناباد کاملاً مشهود است. از آن بزرگوار در عین تسلط کامل علمی و تدریس علوم دینی، فقط تعدادی مکتوبات و رساله شریفه پند صالح برجای مانده که به تنهایی حاکی از علو مراتب علمی و عرفانی ایشان است. حضرتش در سحرگاه پنج شنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۸۶ قمری مطابق با ۶ مرداد ۱۳۴۵ شمسی عالم فانی را ترک و به وصال دلدار رسیدند. مزار مطهر ایشان در جوار مرقد جد بزرگوارشان در بقعه متبرکه سلطانی در بیدخت گناباد می باشد.

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره نهم / اسفند ماه ۱۳۹۰

فرمایشات
• اهمیت پیشگیری - انعکاس مصلحت فردی در جامعه - پنجم اسفند ۹۰

اخبار درویش
• خود داری دو تن از درویش گنابادی زندانی از انتقال به بیمارستان با دستبند
• گرامیداشت روز درویش در بند ۳۵۰ اوین توسط درویش زندانی در این بند
• آزادی کسری نوری از درویش گنابادی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی
• آزادی بی قید و شرط دو درویش گنابادی از زندان اوین
• بزرگداشت روز وکیل در بند ۳۵۰ توسط وکلای زندانی درویش گنابادی
• برگزاری مراسم سالگرد حضرت صالحعلیشاه در بند ۳۵۰ اوین

• اپلیکشن اندرویدی مجذوبان نور منتشر شد
• صالح مرادی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی در زندان عادل آباد شیراز در بند است
• ضرب و شتم یک درویش گنابادی در بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی شیراز

گفتگو
• مصاحبه با علی مرتضایی، درویش آزاد شده از بند ۳۵۰

• چهل متهم از قانون امتیازی برای بازجو، گفتگو با کسری نوری از درویش گنابادی

مقاله
• وفای به عهد
• زن در اسلام

حقوق بشر
• حقوق شهروندی

بیش از شش ماه است که از آغاز آخرین موج بازداشت های گسترده و فشار بر درویش گنابادی می گذرد جدای از علت و هدف بازداشت های اخیر که پیش از به آن پرداختیم در حین بازجویی ها شاهد نقض حقوق شهروندی به شکل فاحش بوده ایم.

در چنین وضعیتی آگاهی جامعه از قوانین کشور امری بسیار ضروری و مهم است قوانینی که چه در حین بازداشت و چه در حین بازجویی ها نادیده گرفته شده و خلاف آن عمل می شود که در صورت جهل از قوانین، از تضییع حقوق و پایمال شدن حق خویش به سادگی گذشته و اجازه سو استفاده از عدم آگاهی خود را به مامورین و نیرو های امنیتی می دهیم و به تبع آن خود زنجیری به بند اسارت می افزاییم .

در این شماره خبرنامه علاوه بر مصاحبه در مورد نحوه بازداشت و بازجویی ها با دو تن از درویش، در بخش حقوقی خبرنامه نیز به ارائه قوانین حقوق شهروندی می پردازیم.

مجذوبان نور

لزوم آگاهی از حقوق قانونی: با اطلاع از قوانین، از حقوق قانونی خود دفاع کنید

حقوق شهروندی

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع‌تری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود. اما متأسفانه همچنان توسط ضابطین قوه قضائیه و بازجویان رعایت نمی‌شود با اینکه این بخش نامه‌ها از طریق شخص رئیس قوه قضائیه و بالاترین مقام قضایی کشور صادر می‌شود! در زیر این بخشنامه عیناً آورده شده است:

بسمه تعالی

بخشنامه شماره ۸۳/۱/۲۰-۱/۸۳/۷۱۶

به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور

از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزشهای اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین، بازجویان و ناظران زندانها و بازداشتگاههای سراسر کشور را به نکات ذیل جلب می‌نمایم.

۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.
۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون خودداری

ورزند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله، حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهار کننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

با هیأتی که برای نظارت بر اجرای این موارد تعیین شده‌اند، همکاری‌های لازم معمول شود. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی و نتیجه اقدام خود را به اینجانب گزارش نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

مصاحبه با علی مرتضایی درویش آزاد شده از بند ۳۵۰

ساعت ۵ صبح بود که من صدای چند نفر که تو خونه بودند رو شنیدم که داشتند از دوستانم می پرسیدند که علی مرتضایی کیه؟ وقتی که فهمید منم، اومد من را صدا کرد و گفت: از اطلاعات اومدیم و حکمی به من نشون داد که روی اون نوشته بود علی مرتضایی فرزند محمد! من گفتم که اشتباه شده، این حکم بازداشت من نیست، من فرزند صفدر هستم ولی اون گفت زیاد فرقی نمی کنه مهم اینه که باز داشت بشی.



نمایی از بند ۲۰۹ اوین

آقای علی مرتضایی از درویش گنابادی در تاریخ ۲۱ دیماه در منزل شخصی به همراه دو تن دیگر بازداشت شد، پس تحمل ۴۷ روز حبس در بندهای ۲۰۹ و ۳۵۰ زندان اوین آزاد شد، ضمن تشکر از ایشون برای وقتی که گذاشتند سوالاتی در مورد کم و کیف بازداشت و بازجویی از ایشون می پرسیم.

آقای مرتضایی چه اتهامی روی آن حکم نوشته شده بود؟

روی حکم نوشته بود علی مرتضایی و مرتبطین به دلیل فعالیت علیه نظام و اقدامات تبلیغی علیه نظام بازداشت هستند و باید به بند ۲۰۹ انتقال پیدا کنند.

آقای مرتضایی روند بازجویی ها چطور بود؟ رفتار بازجویان آیا همراه بدرفتاری و بداخلاقی هم بود؟

بازجو ها دوتا بودند، یکی از آنها مرد خوب و مودبی بود اما آن دیگری واقعا از نظر شخصیتی مشکل داشت، تو بازجویی کلا سعی می کردند که حالت ترس و وحشت ایجاد کنند تا به اهدافشون برسند، حالا گاهی با تهدید و گاهی هم با نوازش های شدید. دیگه از کارهایی که باهاش این ترس را القا می کنند، مثلا با چشم بند، مدت ها رو به دیوار نگه می دارند و می دونید که استفاده از چشم بند غیر قانونی و متهم باید بازجوی خودش رو ببینه. مثلا یادمه همون اول که اومد گفت: "علی مرتضایی تویی؟ حالا درستت می کنم". یا تهدید می کرد که حیف که اجازه ندارم بیرمت زیر زمین تا اونجا حالت رو حسابی جا بیارم. یکی از

در حین دستگیری برخورد ماموران چطور بود؟ آیا با سر و صدا و تهاجم همراه بود؟

نه، اصلا. برخورد ماموران به نسبت خوب بود، فقط تمام خانه را در حدود بیش از یک ساعت واریسی کردند و کامپیوترهای شخصی و گوشی، تعدادی کتاب و تمثال بزرگان و از عکس های خانوادگی بردند تا صورت حساب های مالی و خلاصه هر مدرک کاغذی. همه رو صورت جلسه کردند و با خودشون بردند با اینکه برای بازرسی منزل هم حکم جداگانه ای لازم بود ولی آنها تنها حکم بازداشت داشتند! و تا الان هم که آزاد شدیم اقدامی برای برگرداندن آنها نکردند. بعدش ما رو سوار یک ماشین سانتافه پلاک شخصی کردند و به اوین بردند.

تیم توجیهی اومد که علت این کار را سعی می کردند که مسائل بهداشتی و نظافت عنوان کنند، من باز هم مقاومت کردم ولی آنها به زور متوسل شدند و با گرفتن دست و پاهام، موها و شارب من را زدند.

بعد از ۲۳ روز انفرادی شما وارد بند ۳۵۰ اوین شدید، جایی که سایر درویش زندانی هستند، اونجا را چطور دیدید؟

خب جو ۳۵۰ خیلی آرام تر بود، اونجا طرف حساب با اداره اطلاعات نیستیم بلکه با سازمان زندانها طرفیم. امکانات نسبتا خوبی داره اما مثلا از لحاظ تلفن زندانی ها خیلی محدودند و تقریبا ماهی یک بار می توانند تماس بگیرند و یا مثلا اجازه نامه دادن به بیرون رو نمی دهند در صورتی که قانونا مجاز هست. اگه بخوام اون بند رو توصیف کنم باید بگم که ۳۵۰ از ۹ تا اتاق که ۴ تا اتاق در طبقه بالا و ۵ تا در طبقه پایین قرار دارد تشکیل شده است که حدود ۱۸۰ تا زندانی در حال حاضر در آن بسر می برند، وضعیت سرویس ها و حمام ها خیلی جالب نیست و غذای فوق العاده بدی دارد که معمولا زندانی ها غذای آنجا را نمی خورند و خودشان اجبارا برای تهیه غذا هزینه می کنند و از طرفی هزینه اجناس هم فوق العاده بالاست مثلا گوشت در انجا کیلو ۲۵ هزار تومان بود.

بازجوها همونی که اصلا طبیعی نبود، در طی بازجویی مرتب ضرباتی را با خودکار و دست هی به سر و صورتم می زد؛ یک بار در جریان یکی از بازجویی ها با یکی از این ضربات دندونم را شکست. یکی دیگر از کارهای غیر قانونی این بود که تفتیش عقاید می کردند و واسه اینکه روحیه را خراب کنند وارد مسائل شخصی می شدند و بعضا تهمت می زدند، به نظر من تو این جور مواقع باید خیلی خونسرد بود و حساسیت نشون نداد.

دیگر اینکه راجع به وقایع کوار، قم، بروجرد و اصفهان می پرسیدند و خیلی سعی آنها بر این بود که تمام دفاع هایی که از حق و حقوقمون تو این ماجرا ها کردیم را به بزرگان و سلسله مربوط کنند که مثلا از آنها خط می گیریم و من می گفتم که دفاع حکم عقل هست و نیاز به اجازه نداره. همان طور که گفتم با همون رعب و وحشتی که درست می کردند می خواستند که وقتی از اوین آزاد می شیم اونقدر ترسیده باشیم که همه چیز رو رها کنیم، خیلی هم نصیحت می کردند که بچسب کار و زندگی چی کار داری به سایت به قم به کوار.

از سوالات بازجو ها مشخص بود که بیشتر اطلاعاتشون از شنود تلفن هاست. که این کار هم غیر قانونی محسوب می شه برای همین برای اینکه در دادگاه قابل استناد باشه باید در اعترافات به صورت کتبی نوشته بشه، مثلا می پرسه که شما در تماسی که با آقای فلانی داشتید فلان مطلب را گفتمی، چه توضیحی داری و جوابی که توی برگه اعتراف می نویسی می شه مدرک برای آنها. یا یک کار دیگه ایی که در امتداد همون ترسوندن که اشاره کردم، انجام می دهند اینکه یه روز که بازجویی شدی می برنت تو انفرادی و تا یه مدت طولانی شاید ۱۰ روز دیگه سراغت هم نمی گیرند که فضای انفرادی تاثیر خودش رو روی فرد بزاره.



در خبرها داشتیم که در روز سوم اسفند در بند ۳۵۰ اوین مراسمی برگزار شد، از اون روز برای ما توضیح بدید.

روز سوم اسفند به همراه وکلای زندانی درویش مراسمی ترتیب دادیم که از طرف سایر زندانی هم استقبال خوبی شد که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد زندانی ها شرکت کردند و کلا جو صمیمی و خوبی داشت. در آن مراسم مصطفی دانشجو در مورد روز سوم اسفند ۸۷ صحبت کرد که چطور تمام درویش از سراسر نقاط ایران در یک اقدام هماهنگ و خودجوش جلوی مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و راجع به اتفاقاتی که زمینه ساز این روز شد حرف زد که طی سالها چه بر سر درویش رفته از تخریب حسینیه ها گرفته تا تهدید و اخراج و ... نتیجه ایی که این مراسم در پی داشت این بود که باعث شد خیلی ها که به علت بایکوت خبری درویش اطلاعی از ظلم هایی که به ایشان می شد نداشتند آگاه شوند. در ادامه مراسم موسیقی بود و غزلیات سعدی خوانده شد و پذیرایی کوچکی هم انجام شد.

اتفاقا چند روز بعد هم که روز وکیل بود باز هم بچه های مجذوبان پیش قدم شدند و مراسمی گرفته و در آن وکلای دیگر بند مثل آقای شعله سعدی و آقای سیف زاده هم شرکت کردند. در ابتدا آقای امیر اسلامی در مورد ماجرای قم، باطل شدن پروانه ها و مسائل حقوقی درویش صحبت کرد و آقای سیف زاده هم در مورد مسائل حقوق بشر در ایران و در



نمایی از ورودی یک کردیدور

نمای داخلی سلول انفرادی بند 209

جو و اوضاع انفرادی چطور بود؟

انفرادی یه اتاقه به مساحت ۱،۸*۲،۲ و چراغی که ۲۴ ساعت روشن بود. و یه چراغی که اگر نیاز به سرویس بهداشتی بود باید فشار می دادی که بیان در رو باز کنند. یه روز درمیان ۱۰ دقیقه هوا خوری داشتی اما راستش به رفتارهاشون اینکه با چشم بند بیرنت و بیارنت، نمی ارزید. من خیلی نمی رفتم و خیلی ها هم ترجیح می دن که نرن.

اونجا چند بار برای تراشیدن شارب و زدن موها بهم تذکر دادند تا اینکه بعد از یک هفته اقدام کردند من اول مقاومت کردم تا کار به درگیری کشید، آنها اول با یک نفر که فکر کنم بازجو بود تماس گرفتند و بعد یک

آخر هم فرشید یداللهی صحبت کرد. کلا بچه های مجذوبان روحیه خیلی خوبی دارند و همچنان فعال هستند و حتی با اینکه پشت دیوارهای اوین هستند اما باز هم هر جا، به هر شکلی در مورد حقوق درویش صحبت کرده و از آن دفاع می کنند.

در مورد برگزاری مجالس درویشی شب های جمعه و دوشنبه توضیح بدید. و حتی شنیدیم که در آنجا سالگرد اقطاب هم گرفته شده، کم و کیف این مراسم ها به چه صورت بود؟

مجالس درویشی که خب بین همان ۹ تایی که انجا بودیم برگزار می شد و رویه برگزاری طبعاً تا جای ممکن به دور از جلب توجه و هیاهو انجام می شد، در آن مدتی که من بودم سالگرد حضرت آقای سلطان علیشاه را داشتیم که کل بند ۳۵۰ هم آقایان و هم خانم ها را ناهار دادیم، آبگوشت خیلی خوبی شده بود مخصوصاً که عده ایی بودند که مدت ها گوشت نخورده بودند، فکر کنم خیلی چسبید. حتی در برنامه داشتند که سالگرد حضرت صالح علیشاه را هم در بند خانم ها و آقایان غذا بدهند که من زود تر آزاد شدم، انشالا که از آنها قبول بشه.

در حاضر وضعیت سلامت درویش زندانی در بند ۳۵۰ چطور است؟ چون می دانیم که آقای مرادی و اسلامی بیماری قلبی دارند و دو تن دیگر هم مجروح هستند.

پای افشین کرم پور به دلیل افتادن از پله شکست بعد از کلی هماهنگی جور شد که به بیمارستان اعزام بشود اما با دستبند می خواستند این کار را انجام دهند و او هم از رفتن امتناع کرد زیرا این کار غیر قانونی بود. رضا انتصاری هم که در همان جریان حمله به دفتر سایت انگشت اشاره او شکسته شد الان انگشتش خم نمی شود. یک بار وقتی که در ۲۰۹ بود بردنش بیمارستان دستش رو عمل کرد و پلاتین گذاشت و دکتر گفته بود که نیاز به فیزیوتراپی داره که خب انجام نمیشه انجا و الان نیاز به عمل دوباره داره چون انگشتش کج شده ولی اقدامی انجام نمی شه. آقای مرادی و امیر اسلامی هم که سابقه بیماری قلبی دارند، اون طور که از خودشان شنیدم طی بازجویی یک بار انقدر تحت فشار بودند که حالشون بد می شود و به بیمارستان منتقل می شوند که اتفاقاً تو بیمارستان هم همدیگر رو می بینند و تا حدی جدی بوده که تا مدت ها بازجویی را در مورد آنها تعطیل کرده بودند. اما تو بند ۳۵۰ از این جهت پیگیری صورت نمی گیره حتی با اینکه تمام هزینه های درمان هم از زندانیان گرفته می شود.

آقای مرتضایی گویا ابتدا برای شما وثیقه های بالا و چندین میلیونی تعیین شده بود، پس چطور شد که بدون قید و شرط آزاد شدید؟

روز اولی که به من گفتند که برای آزادی شما ۳۰۰ میلیون وثیقه تعیین تعیین شده، من خندم گرفت، آنها گفتند که به خانواده زنگ بزنید و اطلاع بدید، من زنگ زدم قضیه رو گفتم که همچین وثیقه ایی تعیین شده ولی به هیچ عنوان اقدامی نکنید، حتی آقای یوسف محمدرضایی به خانواده هم اطلاع نداد. بعد خانواده ها که مراجعه کردند به قاضی، درمورد یکی از ما تا آزادی با فیش حقوقی هم پایین آمدند، اما من گفتم که تا دوستم یوسف آزاد نشه من بیرون آمدنی نیستم. که چند روز بعد هم هر دوتای ما بدون هیچ فیش و سندی آزاد شدیم. دلیل اینکه سند هم قبول نکردیم این بود که وقتی واقعا جرمی انجام ندادیم چه لزومی داره که تعهد یا وثیقه ایی گرو بزاریم.

عبدالفتاح سلطانی در دادگاه بدوی به ۱۸ سال زندان محکوم شد



معصومه دهقان همسر عبد الفتاح سلطانی در گفت و گو با رادیو فردا از صدور حکم ۱۸ سال زندان و تبعید به شهر برازجان و همچنین ۲۰ سال محرومیت از حرفه و کالت برای همسرش خبر داد. این حکم را شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی پیرعباسی صادر کرده است. اتهام های سلطانی «تبلیغ علیه نظام، تشکیل کانون مدافعان حقوق بشر، اجتماع و تبانی علیه نظام» اعلام شده است. همچنین «تحصیل مال حرام» از طریق دریافت جایزه حقوق بشری نورنبرگ یکی از دیگر از اتهامات سلطانی و مبنای صدور حکم اعلام شده است.

حکم یاد شده شنبه به وکلای آقای سلطانی ابلاغ شده است. او ۱۹ شهریور ماه دستگیر شد و از آن هنگام تا کنون در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می برد. معصومه دهقان در این باره اظهار داشت: «یکی از وکلا با من تماس گرفت و از صدور این حکم خبر داد.»

او تاکید کرد که قرار است وکلای عبد الفتاح سلطانی به این حکم اعتراض کنند «چون آقای سلطانی در دادگاه از خود دفاع نکرد زیرا معتقد بود این دادگاه بدون حضور هیات منصفه صلاحیت رسیدگی به اتهامات او را ندارد. در حقیقت این احکام بر اساس اتهام ها صادر شده است. از زمان صدور رای ۲۰ روز برای اعتراض به رای وجود دارد. روند قانونی این هست که وکلا با آقای سلطانی دیدار کنند و لایحه دفاعیه را تهیه کنند تا در دادگاه تجدید نظر از او دفاع کنند. امیدواریم به اعتراض در شعبه ای بی طرف و منصف رسیدگی شود.»

خانم دهقان در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت روحی و جسمی آقای سلطانی در زندان در آخرین ملاقات گفت: «از حدود عماه پیش زمان دستگیری آقای سلطانی، ملاقات حضوری با او نداشتیم و از نزدیک او را ندیده ام. تنها از پشت شیشه هر ۱۵ روز یک بار او را می بینم. از نظر ظاهری آقای سلطانی بسیار لاغر شده است. او بیماری همورئید و پولیت روده دارد. شرایط مناسب باید برای او آماده شود. او نیاز به پیاده روی، خوردن میوه، آب سالم و غذای سالم دارد. یقیناً این شرایط در زندان فراهم نیست به ویژه استرس که این بیماری را تشدید می کند. اما از نظر روحی وضعیت آقای سلطانی بسیار مناسب است.»

در خصوص محل نگهداری این وکیل دادگستری همسر او خاطرنشان کرد: «شرایط همان است که بود، نه به بند عمومی منتقل شد، نه قلم و کاغذ و نه کتاب در اختیار او قرار داده اند و این محدودیت ها همچنان برقرار است.»

به گفته خانم دهقان، عبدالفتاح سلطانی ۱۲ وکیل دارد که در دادگاه اول ۱۱ تن از آنها و در دادگاه دوم ۸ تن از آنها حاضر بودند. این وکلا تصمیم دارند برای تنظیم لایحه دفاعی با این وکیل دادگستری ملاقات کنند.

زن در اسلام

قسمت اول

عقیده نویسندگان امروزه راجع به زنان و حقوق آنان در ادیان و ملل به ویژه در عالم اسلامیت مختلف است.

ایراد بر حکم اسلام درباره زنان

بسیاری از بی بصیرتان در این موضوع ایراداتی گرفته و گوید اسلام رعایت حقوق زنان نکرده است. گروهی عقیده دارند که بشر را با سایر حیوانات در امور طبیعی اختلافی نیست، و همانطور که برای آنها حریت طبیعی هست برای بشر نیز بوده و به مرور زمان موهومات آنها را مقید کرده تحت برنامه و قانون درآورده و مجبور به اطاعت قوانین از قبیل نکاح و زشت دانستن برخی اعمال نموده است. و ادیان عموماً حریت بشر را به رقیبت مبدل نموده اند و این مخالف طبیعت است، ویژه در اسلام که از زنها جلوگیری کامل شده و حق دخالت در سیاست و روحانیت ندارند، به عباره اخیری اسلام می گوید: زن کوچکتر از آن است که در مسائل اجتماعی اظهار عقیده نماید.

پاسخ ایراد

ولی این دسته از مرحله حقیقت به غایت دور افتاده اند، چه بشر از سایر جانداران به عقل و هوش امتیاز دارد. لیکن اگر به طرف شهوت و غضب هم که جنبه حیوانیت است متمایل شود از دیگر حیوانات جلوتر می رود. چنانکه قدری محسوس است که وقاع در بیشتر حیوانات فقط برای بقاع نوع می باشد و زیاده از آن مقدار نیست و همانطوری که طبیعت برای او مقرر کرده غالباً از آن تجاوز نمی کند، و در حالتی که ماده آبستن است نر به او تمایل ندارد؛ بلکه در حیوانات نجیب عدم تمایل فحل دلیل حمل می باشد، و در اول تمایل به ماده اگر اختلافی بین نرها پیدا شود بعد از انعقاد نطفه رفع می شود و از ماده دوری می جویند، ولی بشر اینطور نیست و امتیاز نمی دهد، بلکه گاهی ممکن است که سفاح و خونریزیها بشود. و در صورت اختلاط نیز مرضهای خانمان سوز پیدا می شود که برای جلوگیری از آنها لازم است قوانینی وضع و قوایی وجود داشته باشند که مراقب باشند. و قوانین موضوعه بشر البته ناقص و هر روزه برحسب اقتضا تغییر می یابد و احتمال و امکان تغییر همواره قانددین را وادار می کند که موافق اغراض خود تغییر دهند. تنها قوانین الهیه که از مافوق الطبیعه به وحی و الهام رسیده و اختیار بشر در آن مدخلیت ندارد، می تواند جلوگیری کند چون در بواطن مردم و قلوب مؤمنین جاسوس و پاسبان پنهانی می گمارد که آنان را ممانعت می نماید. دینانیت الهیه نیز به توسط افکار بلند و روشن افراد کامل بشر که به مافوق الطبیعه ارتباط پیدا کرده اند پیدا شده و به تأسیس مؤسسه شرایح که به واسطه عقل کامل خود به وحی و الهام غیبی به مردم رسانده اند ظاهر گردیده است، ولی در حیوانات این قوه نیست و تمیز نیکی و بدی و حسن و قبح نمی دهند. جهت شرافت انسان نیز همین قوه است که عائله بشری را تحت یک نظام قرار داده جهت وحدت ایجاد می کند و مضار جامعه را به افراد می فهماند.

ساختمان فکری و طبیعی زن با مرد یکسان نیست

و علاوه بر آنکه زن در تمام ادیان مأمور و موظف به اطاعت مرد می باشد و رئیس عائله مرد و زن حکم معاون دارد. فکر مرد عمیق و فکر زن سطحی است، مرد با جرأت و جدی و متهور و زن لجوج و محافظه کار و زودرنج است، مرد در امور با تحقیق و با شهامت است، زن مهربان و دلسوز و زودباور.

طبیعت زن با مرد فرق دارد، آفریننده طبیعت هر یک را برای کاری آفریده و چنانکه دانشمندان امروزه در علم تشریح نوشته اند، مغز سر که محل بروز فکر است در زن کمتر و سبکتر است. برآمدگی استخوانهای سینۀ زن نیز کمتر است، لذا محل جریان خون در قلب و سعه

ریه کم است، از این رو قلب زن ضعیفتر از مرد و در زن اضطراب قلب زودتر پیدا می شود. و تنفس عمیق که جریان خون را شدید و همت را بلند نماید مانند مرد نمی شود، اعصاب زن هم سست تر و نرمتر از مرد ولی حساستر است. محل سایر اعضای داخلی بدن نیز به واسطه زیاد جا گرفتن عضو رحم در شکم کمتر و مخصوصاً در موقع حمل عمل اعضا ضعیفتر می شود. رگهای بدن زن هم طوری است که خون را فاسد و بالطبع در ماهی یک مرتبه باید خونهای فاسد دفع شود و اگر دفع نشود تولید امراض می نماید و دماغ را هم تیره میکند، دفع شدن آن نیز قوا را ضعیف و قلب را مستعد اضطراب می نماید. اسلام هم در آن حال روزه را اجازه نفرموده که موجب ضعف مزاج و حدت خون می شود؛ اگرچه مانند بعضی ملل در آن حال آنها را به کلی امر به عزلت نکرده، ولی نماز را عفو نموده که کمتر در جامعه داخل شوند؛ مضاجعت را نیز در آن حال حرام کرده که موجب تنفر مرد و فساد مزاج اولاد می شود. قوه فکریه زن نیز غالباً کمتر از مرد است و هر چند فکر او زودتر از مرد نمو می کند از این رو بلوغ او زودتر از مرد است؛ ولی دوره تکامل مرد طولانی و از زن کم است و زودتر به ذبول می گذارد و از تشریح هم معلوم شده که دماغ آنها مستعد فکر زیاد در امور مهمه نیست. موی بدن نیز که اثر بخارات متصاعده است و در اشخاص فکور زیادتر است بلکه گاهی از حرارت زیاد می سوزد مانند کوسه ها، در صورت زنها خلق نشده، و دلیل است بر آنکه طبیعت صورت زنها را برای آفتاب خلق نکرده بلکه برای سایه آفریده است.

دیگر آنکه توجه او به جزئیات بیشتر است از کلیات، برعکس مرد که قوه فکر و تدبیر او زیاد و به امور کلیه بیشتر توجه دارد. سیاست و روحانیت نیز از امور کلیه است زیرا شخص سیاسی یا روحانی پیشوای یک ملت یا یک دسته یا یک شهر یا غیر آنها یا مصدر امور مهمه اجتماعی می باشد و تدبیرات او باید به حال جامعه مفید باشد. [۱] هانری ماریون [۲] فرانسوی می گوید: اگر گدایی درب خانه زنی را بزند یا بیچاره ای برابر چشم او گریه و زاری کند دلش به حال او می سوزد، ولی هیچگاه نمی تواند درباره شرور اجتماع و آلام جامعه بشریت فکر کند. برای بقاع نوع بشر نیز توالد و تناسل لازم می باشد و حمل مخصوص زنان است و آن حال با هر کار و شغلی نمیسازد. طبیعت همانطور که مشاغل بدن را قسمت کرده مثلاً گوش را مأمور شنیدن و چشم را موظف به دیدن نموده، حمل را نیز مختص زنان کرده است. پس نباید مخالف دستور طبیعت رفتار کرد و کارهایی که مخالف حمل و رضاع است به زنها واگذار کرد. بلکه کارهایی که مخالف با این دو قسمت است، باید مردان به عهده بگیرند و محول کردن به زنان ظلم است. محبت پروردن بچه نیز به زنها داده شده و تجربه شده طفل که گرسنه شود و شروع به گریه کند، مادر هر جا باشد در آن موقع شیر در پستانش ریزش می نماید. بلکه اگر خوابیده باشد در آن موقع غالباً بیدار می شود و نمی شود این قسمت را از آنها سلب کرد. البته در مدت حمل ویژه در اواخر و در اغلب ایام رضاع مخصوصاً اوایل وضع حمل نمی تواند کار کند و معیشت خود را تأمین نماید، لذا اسلام مرد را مأمور قیام به امور زن نموده و نفقه و کسوه زن را به عهده مرد قرار داده است. در اول ازدواج نیز در مقابل متاع زن مهریه بر ذمه مرد معین شده و قرآن مجید که فرموده: *الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ* [۳] اشاره به علت قیام مردان به امور زنان نموده که فضیلت ذاتی و طبیعی دارند و به واسطه مهریه وجهه توالد و تناسل را مالک شده اند.

[۱] در این باب مقاله ای در روزنامه ایران شماره ۴۶۳۲ صفحه ۱ و شماره ۴۶۳۴ صفحه ۳ به عنوان «عقل زن» مذکور است.

[۲] رجوع شود به کتاب او موسوم به احوال زنها چطور است؟ ترجمه آقای اسدالله اشتری.

[۳] سوره نساء آیه ۳۴. یعنی مردان قیومت نسبت به زنها دارند و تدبیر امور آنان می کنند به واسطه آنکه خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده؛ یعنی مردان را فضیلت داده است. **پایان قسمت اول - ادامه دارد ...**



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه «اهمیت پیشگیری - انعکاس مصلحت فردی در جامعه» مجلس صبح جمعه، ۵ اسفندماه ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

یک قاعده ای در طب یا به اصطلاح (بیماری شناسی) هست که این قاعده در اجتماع هم بهتر است که باشد و آن این است که پیشگیری از بیماری یا ناراحتی، مهم تر از درمان آن است .
خداوند اصولاً این قاعده یا امثال اینها را مقرر میکند. البته قاعده ای که خداوند مقرر میکند این نیست که بردارد ماده ۱ ، ماده ، ۲ یا ماده ۳، بنویسد بلکه در فطرت مردم هست . منتهی ممکن است در زندگی اجتماعی مان ، روی فطرت پرده ای پوشیده شود و نفهمیم .
این است که از قدیم محققین اسلامی گفتند که اسلام دین فطرت است . یعنی همه چیزهایی که گفته شده در فطرت انسان هست . منتهی انسان نمیداند ، یا روی آن پرده پوشی شده است .
خوب این قاعده را همه میدانیم . منتهی همین پیشگیری که گفتم، این در قلمرو روانشناسی و جامعه شناسی کار میکند . در جامعه آن دستگاہایی که موظفند که به این مسائل توجه کنند آن دستگاہها نیز باید این مطالب را اجرا کنند و دستور آن را بدهند .
مثلاً خب همینکه به عنوان مثال خداوند بشر یا جانداران را آفریده ، هیچ جاندار را خداوند نیافریده است که با هم دعوا کنند . خیلی از این حیوانات آنهایی که رام هستند ، درنده نیستند ، دقت کنید اگرهم یک دعوایی کنند آن حیوانی که میفهمد پایین تر است خودش کنار میروند و با هم زندگی میکنند . این در فطرتشان هست . همین حالت در فطرت انسان هم است . به دلیل اینکه قرآن هم همین را گفته است که بعضی بر بعضی دیگر تسلط و مدیریت داشته باشند . برای اینکه جمع شود . این فطری است . البته نه اینکه اینهایی که کارها

را بلدند ، زور بگویند و ستم کنند ، نه . یعنی اینها آنچه استعدادشان است ، انجام بدهند و آن یکی هم آنچه استعدادش است انجام بدهد . فرض کنیم در مسابقات ورزشی ، مسابقه دو ، شنا و یک مسابقه والیبال داریم . یک آدم قد کوتاه را هیچ تیمی در والیبال نمیگذارد . برای اینکه شکست میخورد . اگر هم با یک قد بلندی رفیق بودند آن را میگذراند . و گله مند نمیشوند . نه اینکه به او زورمی گوید . هر کسی جای خودش آفریده شده است

همینطور در خانواده فرزندان بزرگ نسبت به پدر و مادر یک جور وظایفی دارند و فرزندان کوچکتر یک جور دیگر . این بر حسب آنچه که خداوند برایش آفریده و در اختیارش گذاشته است . در اجتماع هم همینطور ، وقتی ما میخواهیم جامعه را جنگی بار بیاوریم ، که خوب مثل خروس جنگی کار کنند همینجوری است که از اول باید این جوری تربیتشان بکنند . این بدست کیست؟ به دست افراد هم نیست به دست حکومت است . ولی افراد باید نظارت کنند . خیلی ها می گویند مثلا ما نمیتوانیم ، و دچار تنبلی می شویم و نمیتوانیم کارهایمان را انجام بدهیم و یا امثال اینها .

این یک بیماریست از آن بیماری ، که در موقعش آن جامعه به آن توجه نکرده است ، اپیدمی در بین مردم آمده است . وقتی که یک مدتی رفاه بود ، مردم کم کم تنبل می شوند . این است که در این موقعیت باید هم خودشان توجه بکنند هم دستگاههای دولتی که زیاد رفاه بی معنی ، نداشته باشند . مثلا برای کشاورز ، یک زارعی در خود بیدخت در گناباد یا در هر کجای دیگر به چه چیزی احتیاج دارد ؟ اگر یک بیل و کلنگ با یک رادیو جلوش بگذارند خودش ممکن است رادیو را انتخاب کند ، ولی مصلحت خودش و جامعه این است که بیل را انتخاب کند . کارش آن است ، اینها را که میگویم در واقع انعکاس مصلحت فردی در جامعه است . خود افراد هم مثلا در انتخاب شغل یا در انتخاب رشته تحصیل اینجور چیزی دارند ، یک وقتی یکی به نظرم طالبی بود از خانمها اتفاقا به مناسبتی یک صحبتی شد . گفت من لیسانس . لیسانس نمیدانم چی ، لیسانسی بود حالا هر چی که بود . اما در یک شغلی بود کاملا مخالف با تحصیلاتش . گفتم چند سال است کار میکنید؟ گفت هفت ، هشت سال . گفتم در این هفت ، هشت سال کار چند بار از تحصیلات استفاده کردی ؟ فکر کرد گفت هیچی . گفتم پس این تحصیل به چه درد میخورد ؟ با تحصیل یک مدتی از عمرت را از دست میدهی . برای اینکه یک ورقه به دست بیاورند اسمش لیسانس است . فکر کنید اینها که جوانتر هستند قدر سن را نمیدانند . میگویند خوب هفت ، هشت سال را درس بخوانیم . ولی به سن بیشتری که رسیدند یک روز عمر را هم به حساب می آورند . بنابراین سعی کنیم در اول که عمر به نظر ما مهم نیست آن را هدر نکنیم . برای اینکه در ایام پیری آن را به حساب میاوریم و حتی سعی کنیم روزمان و ساعتانمان پر باشد .

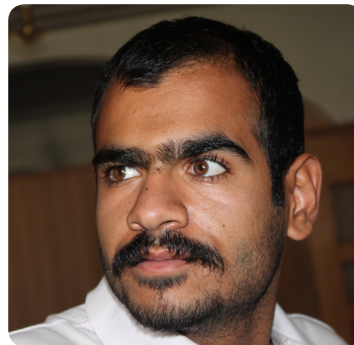
به عنوان مثال اینکه شرح حال بزرگان را آدم بخواند مفید است . برای اینکه میخواهد ببیند آنها چرا شخصیت پیدا کردند ؟ در مورد آقای سلطانعلیشاه نوشته اند . البته آنهايي که در مورد ایشان است ما هم شنیده ایم . خوب ما فرزندانمان بوده ایم از پدر و مادرمان ما هم شنیده ایم .

آقای سلطانعلیشاه ، گوسفند می چراندند ، شبان بودند . ملا محمد علی برادر بزرگشان از لحاظ مالی رییس خانواده بودند . ایشان هم هشت ، نه یا ده ساله بودند . خودشان میگویند فکر کردم خوب من که در ضمن اینکه گوسفند می چرانم علف جمع کنم . علفها را میکندم . بعد دیدیم خوب این هم طولی نمیکشد ، گفتم خوب آن آیاتی که حفظ دارم یا سوره های قرآن را که بخوانم . تکرار کنم . این کار را هم کردم . یک فردی که سواد هم نداشتند یا شاید هم در مراحل ابتدایی سواد داشتند . این گونه از وقتش استفاده میکند . ما باید توجه کنیم . و از اینکه فلان کس چه جور است و من چه جور هستم اصلا ناراحت نشویم و فکر نکنیم . آقای سلطانعلیشاه این بی سوادی در هر صورت ناراحتشان کرد نه برای اینکه ناراحت شوند چرا دیگران سواد دارند من سواد ندارم . ناراحت شدند و رفتند یاد گرفتند و از لحاظ علمی هم حتی به مقاماتی رسیدند .

از این قبیل در تاریخ خیلی بوده است . یکی هم اخفش (بز اخفش) که مشهور بوده است . که میگویند اخفش یکی از ادبا و دانشمندان عرب است . تا چهل سالگی بیسواد بوده است . بعد به زور یکی را راضی کرده بود با هم ، هم درس باشند و درس بخوانند . در خانه هم کسی را نداشت که با هم مباحثه کنند . یک بزی داشت یک حرفی میزد ، بز سرش را تکان میداد . یعنی بله . به این خوشحال بود . که بزی که نمیفهمد سرش را تکان میدهد . این بز اخفش مشهور بود . و بعد شد از ادبایی که الان در تاریخ عرب می نویسند که بسیار مقام بزرگی دارد .

به هیچ وجه از اینکه چیزی ندارید و خوب است داشته باشید ، ناراحت نشوید و بر دیگران حسادت نکنید . بعد هم بدانید در هر چیزی اگر احتمال میدهید به آن بیماری به اصطلاح بیماری یا ضعیف دچار میشوید ، قبلا آماده شوید واکسن که میگویند برای همین است . بشر تمام ترقیاتش مال این است که از یکی از خصوصیات و فطرتهای الهی استفاده کرده است . این فطری است . رفته یک چیزی پیدا کند که استفاده کند که دیگر در امان باشد . اساس اولیه صحبت من هم همین بود .

و یک وجه هم از وضعیت ضعف خودتان است یا مثلا حسابهایتان هم باید دقیق باشد . البته هر ورق لیسانس که شما بگیرید این به منزله پرچمیست که منت آن را یکی دیگر به دیگران بدهد . شما زحمتش را کشیده اید بعد بگویند آقا ما همه مردم را با سواد کردیم . خود مردم خواستند . به هر حال بسنجید و دنبال تحصیل و علم و بروید . علم خوب است در آن صورت زندگی را هدر ندهید ولی از این قبیل دستورات عملی زندگی خیلی فراوان است . اگر فکر کنید خودتان یکی یکی را در می یابید و دقت کنید با تکیه بر این عصای عقل و دور اندیشی کار کنید .



چهل متهم از قانون امتیازی برای بازجو گفتگو با کسری نوری از درویش گنابادی

آقای نوری اجازه بدید گفت و گو را با این سوال شروع کنم که به نظر شما اساسا هدف برخورد و بازداشت شما و سایر درویش چیست؟

تمام سعی حاکمیت سرکوب درویش گنابادی و به انزوا بردن این جامعه می باشد و برای دستیابی به این هدف در موج اخیر بازداشت ها اولین و شدید ترین فشار ها را بر وکلای درویش گنابادی و مدیران و پرسنل سایت مجذوبان نور وارد آورده اند تا با بایکوت حقوقی و خبری ما راه رسیدن به هدفشان سهل و آسان تر شود. اما با همه کوشش این آقایان و دستگاه های امنیتی، نظامی و سایبری آنها که برای عدم فعالیت سایت به خرج دادند تا کنون حتی از انشار یک خبر هم نتوانستند جلو گیری کنند و در مقابل همین تلاش مسرانه حاکمیت برای بایکوت ما دلیلی بر آگاهی هر چه بیشتر ارزش رسانه و اطلاع رسانی شده است که:

چراغی را که ایزد بر فرزند هر آن کس پف کند ریشش بسوزد از جزئیات چگونگی بازداشتان توضیح بدهید.

ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه توسط ۴ تن از ماموران امنیتی و لباس شخصی بازداشت شدم، تفتیش منزل و جمع آوری وسایل توسط ماموران نزدیک ۳ ساعت به طول انجامید. در بدو بازداشت نیرو های امنیتی با اعتراض من و خانواده ام رو به رو شدند که از همین رو به من دسبند زدند که در طول این ۳ به همراه خانواده ام نظاره گر زیر و شدن تمام اسباب و اثاثیه خانه شدیم.

بازجویی ها بیشتر حول چه مسائلی متمرکز بود؟

تمام مسیر و خط بازجویی جدای از ورود بازجو به مسائل خصوصی و شخصی با هدف ایجاد ترس و تزلزل روحیه من در حین بازجویی حول این محور می گشت که سایت مجذوبان نور را وابسته به درویش گنابادی و پس از آن به بزرگان سلسله ارتباط دهند که بارها در حین بازجویی به این مورد اشاره کردم که سایت مجذوبان نور تنها، پایگاه خبری درویش گنابادی است و از همین رو هیچ گونه وابستگی به درویش گنابادی نداشته و مسئولیت آن به عهده جمع مستقلی از این جامعه می باشد.

شما الان به مساله ورود به مسائل شخصی توسط بازجو اشاره کردید که طبعاً غیر قانونی است، به نظر شما صرفاً آگاهی از قوانین حقوقی چه تاثیری در روند بازجویی می تواند داشته باشد؟

عدم آگاهی از حقوق مسلم و قوانین رایج کشور برای بازجو امتیازی است تا با سو استفاده از چهل متهم با ایجاد فشار، تهدید و ارباب به صورتی غیر قانونی به اهداف خود دست یابد برای مثال بازجویی با چشم بند و از پشت سر همراه با برخورد فیزیکی و فشار روانی، پرسیدن سوال های تلقینی، تفتیش عقاید در حین بازجویی و ورود به مسائل خصوصی و بسیاری از موارد دیگری که در بازجویی من هم اعمال می شد سراسر غیر قانونی و خلاف قوانین حقوق شهروندی و بخشنامه قوه قضاییه می باشد. آنها به اعتراض های من مبنی بر غیر قانونی بودن اعتنایی نمی کردند و با گفتن عبارت هایی به این شکل که " این برای فیلم هاست "

یا " اینها را وکلا یادتان دادند، حالا حساب آنها را هم می رسمیم " و ... سعی در بی اثر جلوه دادن اعتراض ها و منصرف کردن متهم از عدم همکاری در چنین وضعیتی داشتند اما با وجود این آگاهی از حقوق خود علاوه بر آنکه خواه یا ناخواه بازجو را نسبتاً وادار به رعایت قوانین می کند به لحاظ روانی برای بازجویی شونده بسیار ارزشمند است زیرا ارباب و تهدید های غیر قانونی بازجو عملاً برای متهم رنگ و لعاب خود را باخته و از طرفی از نا آگاهی وی سو استفاده ای نمی توانند بکنند.

شما بعد از ۳۰ روز حبس در پلاک ۱۰۰ و قرار گرفتن تحت بازجویی به بازداشتگاه مرکزی شیراز منتقل شدید، از وضعیت انجا بگویید.

بازداشتگاه شیراز به لحاظ بهداشتی در وضعیت بسیار بدی قرار داشت به نحوی که به دلیل نبود جا بهداشتی های تازه وارد اجباراً برای خواب باید به جلوی سرویس بهداشتی می رفتند و به تبع همین موضوع شیوع بیماری ها به شکلی بود که تازه واردها در بدو ورود بیمار شده و تا مدت یکماه در بدترین وضعیت جسمی با توجه به تغذیه نامناسب و عدم رسیدگی پزشکی می ماندند. حال شما این چنین وضعیتی را برای زندانیان عقیدتی به خصوص برادرانمان متصور شوید که بی هیچ جرمی و تنها برای دفاع از باورهایشان باید متحمل چنین سختی هایی باشند و در کنار افرادی با جرائم خطرناک نگهداری شوند. در این بازداشتگاه درویش زیادی نگهداری شده بودند، از جمله خانواده دهقان که در آخرین برخورد با این خانواده چهارمین نفر آنها آقای کاظم دهقان که هم اکنون در زندان عادل آباد به سر می برد، بازداشت شده و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار داشته است. من آنجا بسیار متاثر شدم از اینکه برادرانم هریک به هر نحوی مدتی را در این بازداشتگاه گذرانده بودند، شاید ما خیلی ساده می گوییم که فلان درویش بازداشت شد یا فلان درویش منتقل شد، در صورتی که نمی دانیم برادرانمان در چه شرایطی به سر می برند، علاوه بر مشکلات بی سرپرستی خانواده هایشان به دلیل در بند بودن ایشان در این وضع بد اقتصادی و تنهایی خانواده درویش زندانی خود برادران در بندمان تحت فشاری به سر می برند که غیر قابل تصور است، بعد از یک دوره بازجویی با تمام شکنجه ها و فشارهای روانی و جسمی تازه به جایی منتقل می شوی که خود مجرمین خطرناک با جرائمی چون قتل، آدم ربایی، اخاذی و ... از آنجا هراس دارند.

آقای نوری الان آقای صالح مرادی بیش از ۶ ماه است که در بند است حتی شنیدیم که تحت شرایط بسیار سختی قرار دارد، آیا با توجه به اینکه شما هم عادل آباد بودید آیا او را ملاقات کردید؟ یا از وضعیت او اطلاع دارید؟

خیر، صالح مرادی را ندیدم، زیرا وی در زندان عادل آباد به سر می برد و من در بازداشتگاه و قرنطینه زندان، اما با این حال پیگیر وضعیت وی از آنجا که بودم متوجه شدم او مدتی را در این قرنطینه و پس از آن به عادل آباد اعزام شده بود و اکنون در عادل آباد در شرایطی بسیار سخت و تحت شدیدترین نظارتها و تدابیر امنیتی به سر می برد به شکلی که برای نماز خواندن و بیداری سحر نیاز به مجوز از حفاظت اطلاعات زندان داشته و باید خود را هفتگی و ماهانه به آنجا معرفی کند، وی را وقتی به عادل آباد انتقال داده اند برای زندانیان ایشان را کافر معرفی کرده و دیگران را از رابطه با این درویش با تهدید و ارباب ترسانده اند تا در زندان برادرانمان را تحت شدیدترین فشارها قرار دهند، با این همه صالح در هر بندی که زندانی بود همه مجذوب منش و بزرگواری وی شده و در جواب بازخواست زندانیان همه زندانیان خود را درویش دانسته و به برخوردهای بد زندانبان با صالح اعتراض کرده اند. به هر حال صالح در شرایط بسیار بدی قرار دارد و قرار غیر قانونی بازداشت وی به صورت ماهیانه با فشار اطلاعاتی ها تمدید شده تا این درویش را آزار و اذیت کنند. امیدوارم اگر کاری از دستمان برنماید به یاد این بزرگوران باشیم تا روحیه دفاع و ایستادگی در وجودمان بالنده شود.



خود داری دو تن از درویش گنابادی زندانی از انتقال به بیمارستان با دستبند

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان، آقایان رضا انتصاری و افشین کرم پور در حالی که مسئولین یگان حفاظت زندان اوین برای اعزام آنها به بیمارستان قصد استفاده از دستبند را داشتند از زند دستبند خودداری کرده و حاضر به اعزام به بیمارستان با دستبند نشدند. این در حالی است که براساس تبصره ۱ ماده ۲۳۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها استفاده از دستبند در اعزام محکومان و متهمان به مراجع قضایی، مراکز درمانی، تربیتی، آموزشی مجاز نیست.

طبق این گزارش رضا انتصاری که در تاریخ ۱۳ شهریور ماه سال جاری بازداشت شد در هنگام حمله ماموران وزارت اطلاعات به دفتر سایت از ناحیه دست مجروح شد شدت این جراحت تا حدی بود که مجبور به اعزام وی به بیمارستان قمرینی هاشم شدند و در آنجا تحت عمل جراحی قرار گرفت اما دست ضرب دیده وی برای درمان کامل نیاز به عمل مجدد دارد و همچنان از این ناحیه رنج می برد. و همچنین افشین کرم پور از وکلای زندانی درویش گنابادی که در بند ۳۵۰ اوین به سر می برد از ناحیه مچ پای چپ دچار شکستگی شده و قرار بود به بیمارستان طالقانی اعزام شود اما به دلیل امتناع از استفاده از دستبند، اعزامش لغو شد. وی در تاریخ ۱۳ شهریور ماه در جریان حوادث شهرستان کوار هنگام ملاقات با فرماندار آن شهرستان در فرمانداری کوار توسط ماموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.



گرامیداشت روز درویش در بند ۳۵۰ اوین توسط درویش زندانی در این بند

مدیران و پرسنل زندانی پایگاه خبری درویش سلسله نعمت الهی گنابادی به مناسبت روز درویش چهارشنبه سوم اسفند ماه مراسمی را با حضور زندانیان بند ۳۵۰ اوین برگزار کردند. به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، در این مراسم حمید مرادی مدیر سایت مجذوبان نور به تشریح طریقت و مکتب درویشی برای حاضرین پرداخت. همچنین مصطفی دانشجو فعال حقوق بشر و از وکلای درویش گنابادای نیز در خصوص فشارهای وارده بر درویش طی سالهای گذشته صحبت کرد. این مراسم با اجرای شعر و نواختن موسیقی ادامه و باخواندن سرود ای ای ایران به پایان رسید.

سوم اسفند ۱۳۸۷ درویش طریقت نعمت الهی گنابادی بدون هماهنگی و درحرکتی خودجوش به دلیل آنکه سالها تحت فشار قرار گرفته بودند و سومین حسینه آنها در اصفهان تخریب شده بود برای اعتراض و استیفای حقوق خود به مقابل مجلس تجمع کردند. این حرکت اعتراضی درویش با واکنش نیروهای امنیتی و نظامی مواجه که حدود ۸۵۰ تن از درویش توسط آنها بازداشت و به بازداشتگاه های مختلف تهران انتقال داده شد. از آن زمان تاکنون روز سوم اسفند از سوی درویش بنام روز درویش نامگذاری شد و درویش در تمامی نقاط جهان این روز را گرامی می دارند.



آزادی کسری نوری از درویش گنابادی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، آقای کسری نوری از درویش گنابادی که صبح روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی به اتهام اقدام علیه نظام بازداشت شده بود پس از گذشت ۴۶ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز و زندان مرکزی عادل آباد شیراز بعد از ظهر روز هفتم اسفند با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند.



آزادی بی قید و شرط دو درویش گنابادی از زندان اوین



به گزارش خبرنگار مجذوبان نور؛ علی مرتضایی و یوسف محمد رضایی از درویش گنابادی ساکن تهران که در تاریخ ۲۱ دی ماه بازداشت شده و در بند امنیتی زندان اوین نگهداری می شدند بعد از ظهر روز هشتم اسفند پس از ۴۷ روز آزاد شدند.

بنا به این گزارش برای این درویش وثیقه های ۱۰۰ میلیونی و ۳۰ میلیون تومانی صادر شده بوده و این درویش از تودیع وثیقه خودداری کردند و پس از آن این درویش گنابادی بدون تودیع وثیقه و کفالت آزاد شده اند که خود گویای این است که درویش و درویشی جرم نمی باشد و تمام کسانی که به خاطر عقیده خود در حبس و بازداشت هستند بی گناهند.

لازم به ذکر است که مهدی اسانلو یکی دیگر از درویش گنابادی نیز که در تاریخ ۱۴ شهریور به همراه سایر پرسنل و مدیران سایت مجذوبان نور بازداشت شده و سپس با قرار کفالت آزاد شده بود در هفته گذشته از تمامی اتهامات خود تبرئه شد.

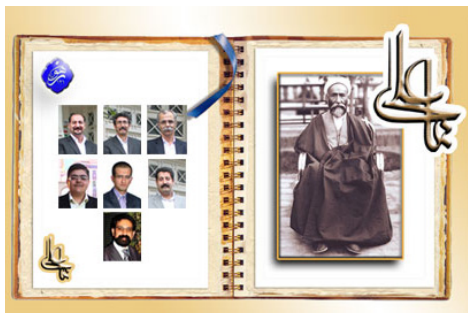
بزرگداشت روز وکیل در بند ۳۵۰ توسط وکلای زندانی درویش گنابادی



وکلای زندانی درویش گنابادی و مدیران پایگاه خبری درویش گنابادی به مناسبت روز وکیل در روز یکشنبه ۸ اسفند ماه مراسمی را با حضور زندانیان بند ۳۵۰ برگزار کردند.

طبق این گزارش، در این مراسم آقای فرشید یداللهی از وکلای درویش گنابادی در مورد فشارهای وارده بر درویش گنابادی در طول سال ها سخنرانی کرده و آن ها را از لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار داده و در پایان با برگزاری مراسم جشن این روز را گرمی داشتند، گفتنی است که در این مراسم آقایان قاسم شعله سعدی و محمد سیف زاده که از وکلای زندانی بند ۳۵۰ هستند نیز حضور داشتند.

برگزاری مراسم سالگرد حضرت صالحعیشاه در بند ۳۵۰ اوین



وکلای زندانی درویش گنابادی و مدیران پایگاه خبری درویش گنابادی امروز مورخ ۱۱ اسفند در بند ۳۵۰ اوین مراسمی برای سالگرد رحلت یکی از اقطاب سلسله گنابادی را برگزار کردند.

درویش زندانی بند ۳۵۰ ظهر امروز مراسمی همراه با اطعام زندانیان این بند برای یادبود سالگرد رحلت حضرت صالحعیشاه برگزار کردند این در حالی است که قبلا نیز این درویش زندانی مراسم یادبود شهادت حضرت سلطانعلیشاه را نیز به همراه اطعام زندانیان این بند گرمی داشتند.

اپلیکیشن اندرویدی مجذوبان نور منتشر شد



سایت مجذوبان نور "پایگاه خبری درویش گنابادی" اپلیکیشنی را آماده کرده است که کاربران اندرویدی با مراجعه به سایت و دانلود آن می توانند استفاده کنند. با استفاده از اپلیکیشن مجذوبان نور می توانید همیشه از آخرین مطالب و بسایت باخبر شوید، مطالبی را که دوست دارید بوکماریک و در قسمتی جداگانه آرشیو کنید، به مطالب قبلی همراه با تصویر کامل آنها دسترسی داشته باشید و همچنین نیازی نیست برای خواندن مطالب پیوسته به اینترنت متصل باشید. بلکه با یک اتصال کوتاه و سینک (دانلود) مطالب جدید و تصاویر، می توانید از امکانات اپلیکیشن استفاده کنید. این اپلیکیشن در ۲ نسخه ساده و پیشرفته طراحی و منتشر شده است. نسخه ساده جهت استفاده برای اینترنت های کم سرعت و نسخه پیشرفته جهت اینترنت های پر سرعت می باشد.



صالح مرادی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی در زندان عادل آباد شیراز در بند است



با وجود برگزاری دادگاه بدوی صالح مرادی در تاریخ ۱۷ دی ماه سال جاری و اتمام تحقیقات پرونده وی، این درویش گنابادی هنوز با فشار دستگاه امنیتی حاکمیت با قرار بازداشت در زندان عادل آباد شیراز در بند است.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، صالح مرادی از درویش گنابادی که در تاریخ ۱۹ شهریور ماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود، تحت شدیدترین تدابیر امنیتی در زندان عادل آباد شیراز به سر می برد. بنابر این گزارش با وجود آنکه حاکمیت فعلی داعیه اسلامی بودن را دارد این درویش گنابادی برای انجام فریضه نماز و بیداری سحر ملزوم به معرفی خود به حفاظت اطلاعات زندان و دریافت مجوز به صورت هفتگی و ماهانه برای خواندن نماز می باشد.

صالح مرادی در بدو بازداشتش نزدیک به دو ماه را در بازداشتگاه وزارت اطلاعات شیراز موسوم به پلاک ۱۰۰ تحت شکنجه های سنگین جسمی و روانی گذرانده و اکنون قریب به ۴ ماه است که در زندان عادل آباد شیراز نگهداری می شود.

قرار بازداشت غیرقانونی این درویش گنابادی به صورت ماهیانه با فشار وزارت اطلاعات به قوه قضاییه تمدید می شود.

شایان توجه است، صالح مرادی برادر حمید مرادی از مدیران سایت مجذوبان نور می باشد که وی نیز در تاریخ ۱۳ شهریور ماه در تهران بازداشت و اکنون به همراه آقایان فرشید یدالهی، رضا انتصاری، امید بهروزی، افشین کرم پور، امیر اسلامی و مصطفی دانشجو در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می برد.

ضرب و شتم یک درویش گنابادی در بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی شیراز

کاظم دهقان از درویش گنابادی در بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی شیراز شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.



به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، کاظم دهقان از درویش گنابادی ساکن شهرستان کوآر در استان فارس که در تاریخ تاریخ ۲۹ بهمن ماه در منزلش بازداشت شده به زندان عادل آباد منتقل و سپس در تاریخ ششم اسفند جهت بازجویی به اداره اطلاعات شیراز منتقل شده بود در هفته گذشته مجدداً به بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی منتقل شده که در این بازداشتگاه مورد بازجویی و شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

هنوز پیگیری خانواده و وکلای این درویش گنابادی از مراجع قضایی در مورد این انتقال ها و دست به دست شدن آقای کاظم دهقان بین بازداشتگاه های مختلف به نتیجه ای نرسیده است.

گفتنی است دیروز مجدداً این درویش گنابادی را در حالی که از نظر جسمی شدیداً دچار ضعف شده است به زندان مرکزی عادل آباد شیراز منتقل کرده اند و بنا به گزارش ها از وضعیت اسفبار بهداشتی بازداشتگاه مرکزی شیراز، خانواده وی این درویش گنابادی با وضعیت کنونی جسمی ایشان در مورد سلامتی این درویش ابراز نگرانی کرده اند.

وفای به عهد

گردآورنده: مهرداد مصوری



عهد نابستن از آن به که بندگی و نپایی
شیخ اجل سعدی

بودند خداوند می فرمایند که به عهد و پیمان خود با آنها که قبلا بسته ای باید وفا کنی اگرچه آنان از دشمنان و کفار هستند. از اینرو حقیر سراپا تقصیر به واسطه اهمیت موضوع این مختصر را جهت عزیزان ایمانی تحریر و تقدیم مینمایم تا انشاء الله به مدد اولیاء حق روزی آنرا بصورت یک مجموعه کامل از آیات شریف قرآن مجید و تفاسیر عرفانی و آثار بزرگان در این باره جمع آوری نمایم.

بمَنه و کرمه
خاکراه فقراء نعمت اللهی سلطانعلیشاهی
مهرداد مصوری
بهمن ۱۳۹۰
عهد و پیمان دو قسم است:

۱- عهد و پیمان با خدا، یعنی انسان بر اساس خلقت و فطرت پاک انسانی و تعالیم دین الهی متعهد است تا خدا را بپرستند و از او اطاعت کند و از پیروی شیطان دور گزیند چنان که خداوند در قرآن فرمود: ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، زیرا برای شما دشمن آشکاری است و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است. و باز می فرماید به پیمانی که با خدا بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

۲- عهد و پیمان انسان‌ها با یکدیگر که بر چندگونه است، مانند پیمان‌های حقوقی، تجاری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...

عهد و پیمان در قرآن کریم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (۱) المائده
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید.

تفسیر شریف بیان السعاده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با ایمان عام یا خاص یا به معنی اعم از هر دو، زیرا خطاب برای عموم مردم است برای اینکه تحریمی به امر ولایت شده باشد.

أَوْفُوا بِالْعُقُودِ به عهد و پیمان خود وفا کنید، بدان که این سوره و سوره نساء در باره خلافت علی (ع) نازل شده است و ترغیب به خلافت علی (ع) و تهدید به مخالفت آن است، پس هر چه که در آن دو سوره، از امر و نهی و حلال و حرام و اجر و عقاب و داستان و حکایت، عموم و خصوص، مطلق و مقید ذکر شده است، مقصود از همه اینها اشاره به ولایت است خواه بگوییم که ذکر علی (ع) به صورت تصریح بوده و آنرا حذف کرده‌اند، یا بصورت پوشیده و پنهان بوده است که آنرا نفهمیده‌اند. و در اخبار ما تصریحاتی است به اینکه نام علی (ع) در بسیاری از مواضع صریحا ذکر شده بود و آنرا حذف کرده‌اند.

سابقا دانستی که ایمان چه عام باشد، چه خاص، جز به سبب بیعت به دست نبی صلی الله علیه و آله یا امام، یا جانشینان آن دو حاصل نمی‌شود و اینکه در آن بیعت عهد و پیمان‌ها و شروطی موجود است که با بیعت کننده بسته می‌شود، ولی کیفیت آن عهد و پیمان در هر یک از بیعت عام یا خاص فرق می‌کند، و در هر کدام از آنها کیفیتی است غیر از کیفیتی که در دیگری وجود دارد.

وفای به عهد فضیلتی بزرگ و موضوع بسیار مهمی است که در تمام کتب آسمانی و در کلام تمام انبیاء و اولیاء الهی بدان پرداخته شده و در تمام ملل و فرهنگها نیز نقش بسیار مهمی را در روابط اجتماعی اعم از کشوری و لشگری تا کوچکترین فرد جامعه ایفا می‌کند و در طول تاریخ نگاه داشت آن چه بسیار منشاء خیرات و برکات گردیده، و عدم توجه به آن چه مصائب و شدائدی را که نصیب خانواده‌ها و جامعه‌ها ساخته است. از اینرو پای بندی به عهد و پیمان یک اصل جهانی بوده و از امهات فضائل به شمار می‌رود.

عهد و وفای به آن آنقدر بسیط و گسترده است که در هر حوزه و موضوعی که فکر کنیم برای خود جایگاهی اساسی داشته و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

وفای به عهد آنقدر نزد انسانها مهم است که اشخاصی که بدین صفت متصف بوده و به قول و قرار خود پایبندی دارند همیشه نزد دیگران عزیز و محترم بوده و گفتار و کلامشان به عنوان سند مورد قبول واقع میشود. اصطلاح عامیانه ولی بسیار با معنای "سبیل گرو گذاشتن" که نشان میدهد در گذشته تا چه اندازه به وفای به عهد اهمیت داده و با مردی و مردانگی سنجیده میشده است و ناقض آن را خیانت کار و از دایره مردی خارج میدانستند.

عهد و پیمان در کتاب آسمانی قرآن کریم از قول خداوند متعال بسیار مورد پرسش و تاکید قرار گرفته و پایندگان آنرا حضرت حق مورد دوستی خود قلمداد نموده است البته نیاز به توضیح و روشن نمودن مطلب ندارد که عهد و پیمان در امور معنوی و الهی عهد و پیمانی است که از جانب خداوند توسط پیامبران و اولیاء خویش از مردم گرفته میشود اعم از عهد و پیمان نبوی تا عهد و بیعت ولویه خاصه و این شامل هر نوع عهد و پیمان دینی با اولیاء طاغوت نمیگردد و البته در امور غیر الهی و غیر دینی عهد و تعهد و پیمان و قراری را هم که حضرت رسول اکرم با کفار بسته

و به بعضی از شروط در آیه بیعت زنان اشاره شده است و از جمله شروط بیعت عام این است که مشتری مخالفت نکند و در امر و نهی اطاعت کند، و بیعت حاصل نمی‌شود مگر با عقد سوگند بایع بر سوگند مشتری چنانکه امروز بین مردم در معاملات متداول است. لذا مطلق بیعت کردن و سایر معاملات که در آنها ایجاب و قبول هست عقود نامیده می‌شود چون در آنها به عقد دست اهمیت داده می‌شود. وفای به عقد عبارت از آوردن مقتضای اصل عقد و تمام شرایط و معاهدات آن می‌باشد، پس معنی آیه چنین می‌شود:

ای کسانی که با محمد صلی الله علیه و آله یا با علی (ع) بیعت کردید به همه عقدها از قبیل معاملات بین خودتان و بیعت با خدا وفا کنید و چیزی از شرایط و عهدها آن را وا نگذارید.

و سیاق کلام که در ضمن «آمنوا» عقد خاصی را ذکر کرده است و به دنبال آن همه عقود را به طور عموم ذکر نموده و امر به وفای به آنها کرده است، اقتضا می‌کند که مقصود وفا کردن به این عقد خاص باشد، گویا که گفته است: ای کسانی که با محمد صلی الله علیه و آله پیمان بستید به همه عقدها وفا کنید خصوصاً به همین عقد. یا اینکه مقصود این است که به همین عقد

وفا کنید. آوردن عقود به صورت جمع به اعتبار تعدد عقد کننده‌هاست، یا به اعتبار تعدد وقوع این عقد در ده جا یا در سه جا می‌باشد.

پس مقصود این است که با ارتداد از اسلام یا ایمان، بیعت خودتان را از گردنتان باز نکنید و با مخالفت دل با نبی صلی الله علیه و آله در امر به ولایت شرایط آنرا ترک نکنید.

و از امام جواد (ع) روایت شده است که رسول خدا با آنان برای علی (ع) در مورد خلافت در ده جا پیمان بسته است، سپس خداوند این آیه را نازل کرده است که: ای کسانی که ایمان آوردید به عهد و پیمانهایی که برای امیر المؤمنین (ع) با شما بسته شده است وفا کنید. بنا بر این مقصود از آیه امر به وفای به پیمان‌های ولایت است بر حسب منطوق و طبق آنچه که در وجه اول آیه، سابقاً ذکر شد مقصود امر به وفای به پیمان ولایت است که آن از باب التزام می‌باشد.

ترجمه بیان السعاده، ج ۴، ص: ۲۷۲ و ۲۷۳.

تفسیر المیزان:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" کلمه "عقود" جمع عقد است، و عقد به معنای گره زدن و بستن چیزی است به چیز دیگر، بستن به نوعی که به خودی خود از یکدیگر جدا نشوند، مثل بستن و گره زدن یک طناب و یک ریسمان به طناب و ریسمانی مثل خودش و لازمه گره خوردن این است که هر یک ملازم دیگری باشد، و از آن جدا نباشد، و این لوازم در گره خوردن دو چیز محسوس در نظر مردم معتبر بوده، و سپس همه اینها را در گره‌های معنوی نیز معتبر شمردند، مثلاً در عقد معاملات از خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات معمول و نیز در عهدها و پیمانها کلمه عقد را اطلاق کردند، چون اثری که در گره زدن هست در اینها نیز وجود داشت و آن اثر عبارت بود از لزوم آن پیمان و التزام در آن.

و چون عقد - که همان عهد باشد - شامل همه پیمانهای ... احکام تشریعی و امضایی و از آن جمله شامل عقد معاملات و غیره می‌شود، و چون لفظ "العقود" جمع محلی به الف و لام است، لا جرم مناسب‌تر و صحیح‌تر آن است که کلمه "عقود" در آیه را حمل کنیم بر هر چیزی که عنوان عقد بر آن صادق است.

بحثی پیرامون معنای عقد

قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می‌کنید، دلالت دارد بر اینکه دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، که شامل همه مصادیق می‌شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می‌گیرد...

قرآن کریم در وفاء به عهد به همه معانی که دارد تاکید کرده، و رعایت عهد را و در همه معانی آن و همه مصادیقی که دارد تاکید شدید فرموده، تاکید می‌کند که شدیدتر از آن نمی‌شود، و کسانی که عهد و پیمان را می‌شکنند را به شدیدترین بیان مذمت فرموده، و به وجهی عنیف و لحنی خشن تهدید نموده، و کسانی را که پای بند وفای به عهد خویشند در آیاتی بسیار مدح و ثنا کرده، و آیات آن قدر زیاد است که حاجتی بذکر آنها نیست.

و لحن آیات و بیاناتی که دارد طوری است که دلالت می‌کند بر اینکه خوبی وفای به عهد و زشتی عهد شکنی از فطریات بشر است، و واقع هم همین است.

[حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد از فطریات بشر است و انسان در زندگی فردی و اجتماعی بی نیاز از عهد و وفای به آن نیست]

و علت و ریشه این مطلب این است که بشر در زندگیش هرگز بی نیاز از عهد و وفای به عهد نیست، نه فرد انسان از آن بی نیاز است، و نه مجتمع انسان، و اگر در زندگی اجتماعی بشر که خاص بشر است دقیق شویم، خواهیم دید که تمامی مزایایی که از مجتمع و از زندگی اجتماعی خود استفاده می‌کنیم، و همه حقوق زندگی اجتماعی ما که با تامین آن حقوق آرامش می‌یابیم، بر اساس عقد اجتماعی عمومی و عقدهای فرعی و جزئی مترتب بر آن عهدهای عمومی استوار است، پس ما نه از خود برای انسانهای دیگر اجتماعان مالک چیزی می‌شویم، و نه از آن انسانها برای خود مالک چیزی می‌شویم، مگر زمانی که عهدی عملی به اجتماع بدهیم، و عهدی از اجتماع بگیریم، هر چند که این عهد را با زبان جاری نکنیم چون زبان تنها در جایی دخالت پیدا می‌کند که بخواهیم عهد عملی خود را برای دیگران بیان کنیم، پس ما همین که دور هم جمع شده و اجتماعی تشکیل دادیم در حقیقت عهدها و پیمانهایی بین افراد جامعه خود مبادله کرده‌ایم هر چند که به زبان نیاورده باشیم و اگر این مبادله نباشد هرگز اجتماع تشکیل نمی‌شود، و بعد از تشکیل هم اگر به خود اجازه دهیم که یا به ملاک اینکه زورمندیم، و کسی نمی‌تواند جلوگیری ما شود، و یا به خاطر عذری که برای خود تراشیده‌ایم این پیمانهای عملی را بشکنیم، اولین چیزی را که شکسته‌ایم عدالت اجتماعی خودمان است، که رکن جامعه ما است، و پناهگاهی است که هر انسانی از خطر اسارت و استخدام و استثمار، به آن رکن رکن پناهنده می‌شود.

و به همین جهت است که خدای سبحان این قدر در باره حفظ عهد و وفای به آن سفارش‌های اکید نموده، از آن جمله فرموده: "وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا" و به پیمان وفا کنید، که پیمان خود مسئولیت آور است. "سوره اسری، آیه ۳۴" و این آیه شریفه مانند غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده هم شامل عهدهای فردی و بین دو نفری است، و هم شامل عهدهای اجتماعی و بین قبیله‌ای و قومی و امتی است، بلکه از نظر اسلام وفای به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عهدهای فردی است، برای اینکه عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بلائی عمومی‌تر است.

[اهتمام شارع مقدس اسلام به حرمت عهد و لزوم وفای به آن]

و به همین جهت قرآن این کتاب عزیز هم در مورد دقیق‌ترین عهدها و هم بی‌اهمیت‌ترین آن موارد با صریح‌ترین بیان و روشن‌ترین سخن از نقض عهد منع کرده...

و جان کلام اینکه اسلام حرمت عهد و وجوب وفای به آن را بطور اطلاق رعایت کرده، چه اینکه رعایت آن به نفع صاحب عهد باشد، و چه به ضرر او، آری کسی که با شخصی دیگر هر چند که مشرک باشد پیمان می‌بندد، باید بداند که از نظر اسلام باید به پیمان خود عمل کند و یا آنکه از اول پیمان نبندد، برای اینکه رعایت جانب عدالت اجتماعی لازم‌تر، و واجب‌تر از منافع و یا متضرر نشدن یک فرد است...

[مقایسه اسلام با دیگر سنت‌های اجتماعی در مساله عهد و وفای به آن] و اگر بین سنت و سیره اسلام و سنتی که سایر امت‌های متمدن و غیر متمدن در خصوص احترام عهد و پیمان دارند مقایسه کنی، و مخصوصاً اخباری را که همه روزه از رفتار امت‌های قوی با کشورهای ضعیف می‌شنویم که در معاملات و پیمان‌هایشان چگونه معامله می‌کنند؟! و در نظر بگیری که تا زمانی که با پیمان خود آنها را می‌دوشند پای بند پیمان خود هستند، و زمانی که احساس کنند که عهد و پیمان به نفع دولشان و مصالح مردمشان نیست آن را زیر پا می‌گذارند، آن وقت فرق بین دو سنت را در رعایت حق و در خدمت حقیقت بودن را لمس می‌کنی.

آری سزاوار منطق دین همین، و لایق منطق آنان همان است، چون در دنیا بیش از دو منطق وجود ندارد یک منطق می‌گوید: باید حق رعایت شود، حال رعایت آن به هر قیمتی که می‌خواهد تمام شود، زیرا در رعایت حق، مجتمع سود می‌برد، و منطقی دیگر می‌گوید: منافع مردم باید رعایت شود، حال به هر وسیله‌ای که می‌خواهد باشد، هر چند که منافع امت با زیر پا گذاشتن حق باشد، منطق اول منطق دین، و دوم منطق تمامی سنت‌های اجتماعی دیگر است، چه سنت‌های وحشی، و چه متمدن، چه استبدادی...

ترجمه المیزان، ج ۵، ص: ۲۵۷، الی ۲۶۳.

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷۶) آل عمران آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد. (۷۶)

تفسیر شریف بیان السعاده:

بَلَىٰ آنها گناهکارند زیرا خداوند داد خواهی بندگان را و نمی‌گذارد. مَنْ أَوْفَىٰ ابتدای کلام است و تعلیل جمله‌ای است که «بلی» متضمن آن است، یعنی آنها گناهکارند، زیرا هر کس که «بعهد» به عهدش وفا کند، آن عهدی که با نبی یا وصی نبی با بیعت عام یا خاص بسته است، و وفای به سایر عهدها نیز از همین عهد اخذ شده است و از وفای به همین عهد محسوب می‌گردد.

وَ اتَّقَىٰ یعنی پرهیزد از مخالفت آنچه که در بیعتش به آن عهد بسته است، پس رعایت امانت داری جزء چیزهایی است که به آن عهد بسته است خواه امی باشد و خواه از اهل کتاب.

کسی که به عهدش وفا نکند و پرهیز کار نباشد مورد بغض خداوند است. وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (۳۴) الاسراء و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد. (۳۴)

تفسیر شریف بیان السعاده:

وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ

به طور عموم به هر عهد و پیمان اسلام که از شما در بیعت عام نبوی گرفته شده وفادار باشید اگر به عموم عهد و پیمان‌ها وفا کنید بالاخره شما را بر وفای عهد اسلام می‌رساند، و اگر به عهد و پیمان اسلام وفا کنید شما را به عهد ایمان می‌رساند که با بیعت خاص و لوی حاصل می‌شود و وفای لازم می‌باشد.

إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

بعد از تجسم اعمال از عهد و پیمان پرسیده خواهد شد که آیا وفا بر تو کردند یا نه؟ یا از حال عهدها پرسیده می‌شود که آیا بر آنها وفا کردید یا نه؟

تفسیر المیزان:

مسئول در اینجا به معنای "مسئول عنه" است، یعنی از آن بازخواست می‌شوید... منظور این است که از خود "عهد" می‌پرسند که فلانی با تو چه معامله‌ای کرد، آن دیگری چه کرد و ... و همچنین، چون ممکن است عهد را که یکی از اعمال است در روز قیامت مجسم سازند تا به له و یا علیه مردم گواهی دهد، یکی را شفاعت و با یکی مخاصمه کند.

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) المومنون و (مومنین) آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند، (۸)

تفسیر شریف بیان السعاده:

امانت‌ها چنانچه در سوره‌ی نساء گفته شد، در سوره‌ی احزاب خواهد آمد: عبارت از هر چیزی است که نزد انسانی امانت گذارده شده تا محفوظ و سالم مانده و برای صاحبش نمو کند، به طوری که در صورت مطالبه‌ی صاحبش به او تسلیم نماید، این معنا بر امانت‌های صوری که بعضی از مردم نزد بعضی دیگر می‌گذارند صدق می‌کند، بر امانت‌هایی که خداوند به‌طور تکوینی نزد بندگان و کنیزانش گذاشته نیز صادق است.

این امانت تکوینی از امانت‌های اصلی است و همان لطیفه‌ی سیاره انسانی می‌باشد که خداوند بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشت، که از حمل آن خودداری کردند، آن بار امانت را انسان بر دوش کشید.

از سایر نعمت‌هایی که خداوند بر بندگان داد عبارت از:

اعضا، جوارح، قوا، مدارک، علوم و مناسک تکوینی است، از امانت‌هایی که خداوند نزد بندگان توسط جانشینان و مظاهرش به امانت سپرده، احکام قالبی نبوی و قلبی و لوی، اذکار جلی و خفی.

و ودیعه‌های وصایت که هر امامی برای امام دیگر می‌گذارد و مقصود از عهد چنانچه مکرراً گذشت بیعت عام و خاص است، زیرا عهدی که مورد نظر است و از آن سؤال می‌شود عبارت از میثاق و پیمانی است که بین انسان و خدا توسط مظاهر او با بیعت به دست آنان حاصل می‌شود، سایر عهود و عقود مانند نذرها، عهدها و سایر عهد و پیمان‌هایی که بین بندگان واقع می‌شود بالطبع مقصود است.

مراعات امانت به این است که در حفظ و به نمو رساندن آن کوتاهی نکند اگر امانت نامی باشد، آنچه را که نگهداری آن امانت احتیاج دارد از قبیل ماکول و مشروب و مخزن و بستن در، نقل مکان و جابه‌جایی باید همه‌ی اینها را متحمل گردد.

اگر آن امانت از چیزهایی باشد که به این چیزها احتیاج پیدا می‌کند و مراعات عهد و پیمان به این است که شروط آن را نقض ننماید.

تفسیر المیزان :

آیه مورد بحث مؤمنین را به حفظ امانت و خیانت نکردن به آن و حفظ عهد و نشکستن آن، توصیف می‌کند و حق ایمان هم همین است که مؤمن را به رعایت عهد و امانت و ادار سازد، چون در ایمان معنای سکون و استقرار و اطمینان نهفته، وقتی انسان کسی را امین دانست و یقین کرد که هرگز خیانت نموده پیمان نمی‌شکند، قهرا دلش بر آنچه یقین یافته مستقر و ساکن و مطمئن می‌شود و دیگر تزلزلی به خود راه نمی‌دهد.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) المعارج
(و مومنین) کسانی که امانتها و پیمان خود را مراعات می‌کنند. (۳۲)

تفسیر المیزان :

"وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ" آنچه از کلمه "امانات" زودتر از هر معنایی به ذهن می‌رسد، انواع امانت‌هایی است که مردم به یکدیگر اعتماد نموده، و هر یک به دیگری می‌سپارد، از قبیل مال و جان و عرض، و شخص امین رعایت آن را نموده در حفظش می‌کوشد و به آن خیانت نمی‌کند در نتیجه آیه شریفه شامل همه حقوق چه حق الله و چه حق الناس می‌شود، و اگر یکی از آن حقوق را تضییع کنند، به خدای تعالی خیانت کرده‌اند.

پیامبر(ص) فرمودند: الخيانة تجلب الفقر = خیانت [به مال دیگران] فقر (ناداری) را به دنبال می‌آورد. (کتاب: اسلام دین فطرت - زیر نظر فقیه و عالم بزرگ حضرت آیت الله منتظری)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: کسی که به عهد و پیمانش وفا نکند دین ندارد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: همانا عهد و پیمان‌ها گردن بندهایی در گردن‌ها هستند تا روز قیامت. کسی که آن را به پا دارد، خداوند او را به (هدفش) می‌رساند و کسی که آن را بشکند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد.

امام صادق (ع) فرمود: "به طولانی بودن رکوع و سجده کسی نگاه نکنید، زیرا چه بسا این کاری است که شخص ممکن است به آن عادت کرده و اگر ترک کند موجب وحشتش شود؛ ولیکن به راستگویی و امانتداری او نگاه کنید."

وفا

و نسبت به هر کسی که از او نیکی به تو رسیده وفادار باید بود نه فراموشکار چنانکه قولی که داد نباید فراموش نماید و پیمانی که بست باید بر آن بپاید و رفتار کند.

(رساله شریفه پند صالح - حضرت آقای حاج شیخ محمد حسن صالح علیشاه طاب ثراه)